



ایران

مجید رستگار از حضور «جهان مبهم هاتف» در سال متفاوت جشنواره فیلم فجر گفته است

زنده ماندن سینما، انتخاب امروز نیست مسئولیت فرداست

گفت‌وگو

نیلوفرسانی
گروه فرهنگی

«جهان مبهم هاتف» اولین فیلم بلند سینمایی مجید رستگار، امروز و در آخرین روز جشنواره فیلم فجر، در پردیس سینمایی ملت برای اهالی رسانه رونمایی می‌شود. این فیلم به تهیه‌کنندگی امیرمهریزدان، روایت ورود دو جوان به نام‌های هاتف و جهان به دنیای ناشناخته و رقابتی صنعت است؛ جهانی که بی‌رحمانه‌تر از آن است که مجال اشتباه بدهد.

رستگار در این فیلم، با بازی آرمین رحیمیان، کیوان ساکت‌اف، رضا کیانیان و لیلیا زارعی، به جای تأکید بر فضای صنعتی، بر رقافت، انتخاب و ماندن تمرکز کرده است؛ مسیری که به گفته او، بیش از هر چیز درباره زمین خوردن و دوباره ایستادن است. گفت‌وگوی پیش‌رو، هم‌زمان با نمایش فیلم در جشنواره، نگاهی دارد به شکل‌گیری این تجربه سینمایی و معنای حضور آن در دوره‌ای که خود جشنواره نیز با یکی از پیچیده‌ترین سال‌هایش روبه‌رو است.

ایده شکل‌گیری «جهان مبهم هاتف» از کجا شروع شد؟ چه مسیری طی شد که شما را به این نتیجه رساند این سوژه ظرفیت تبدیل شدن به یک فیلم سینمایی را دارد؟

چند سال قبل، امیرمهریزدان، تهیه‌کننده کار با من تماس گرفت و درباره یک سوژه صحبت کرد. سوژه درباره دو جوان بود که سیر رشد جالبی داشتند؛ فرازوفردوهای که از نظر قصه‌گویی جذاب و به‌اصطلاح «شیرین» بود و به نظر می‌رسید می‌شود از دلش اقتباسی سینمایی درآورد. بعدتر متوجه شدیم کتابی هم درباره این ماجرا نوشته شده. کتاب را خواندیم، اما احساس کردیم از سینما فاصله دارد؛ یعنی برای اینکه بتوانیم به یک کار دراماتیک برسیم، لازم بود چیزهای بیشتری از خود این آدم‌ها و زندگی‌شان بدانیم. حدود سه سال پیش با خودشان تماس گرفتیم و گفتیم قصد داریم

چنین کاری انجام بدهیم و اگر امکانش هست، همدیگر را ببینیم و گفت‌وگو داشته باشیم. آنها هم لطف کردند و ما وارد یک مسیر پژوهشی شدیم که باعث شد به جزئیات بیشتری از زندگی‌شان برسیم. در این پژوهش، قصه‌های متعددی به دست آمد؛ از دوران کودکی هر کدام‌شان که جذابیت‌های خاص خودش را داشت تا نوجوانی و آشنایی‌شان با هم. فضایی شبیه یک مدرسه یا چیزی نزدیک به کانون پرورش فکری آن سال‌ها؛ جایی که بچه‌ها کارهای فنی یاد می‌گرفتند. این مسیر را دنبال کردیم تا رسیدیم به دانشگاه و اتفاق‌هایی که آنجا برایشان افتاده بود. در نهایت دیدیم با حجم زیادی از قصه مواجهیم و عملاً امکانش نیست که تمام زندگی این دو نفر را تبدیل به فیلم کرد. از طرفی، اگر قرار بود یک فیلم نود دقیقه‌ای ساخته شود، ناگزیر به تغییرات جدی بودیم. با اینکه درباره بعضی شخصیت‌ها و عناصر منفی قصه هم محدودیت داشتیم؛ چون خودشان تمایلی نداشتند نام یا جزئیات آنها وارد فیلم شود و می‌گفتند ممکن است برایشان درس‌ساز باشد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم به جای وفاداری کامل به کتاب یا زندگی واقعی، از خود زندگی این دو نفر اقتباس کنیم. اینکه گفته می‌شود فیلم اقتباسی از کتاب است، دقیق نیست؛ منبع اصلی ما پژوهشی بود که مستقیماً با خودشان انجام دادیم. طبیعی است که در این مسیر، تغییرات زیادی در قصه ایجاد شد، چون خیلی از چیزها اجازه استفاده نداشت یا مسئولیت‌هایی به همراه می‌آورد. در نهایت تلاش ما این بود که فقط بخشی از زندگی این دو نفر را اقتباس کنیم، نه کل آن را. ماجرای اصلی و بعضی قصه‌های مهم‌شان را گرفتیم و بر اساس آن یک فیلم سینمایی ساختیم؛ فیلمی درباره یک مقطع از زندگی این دو عزیز، نه روایت کامل زندگی‌شان. به نظر این هم کاملاً طبیعی است.

در «جهان مبهم هاتف» با فضایی روبه‌رو هستیم که یک بستر صنعتی در آن حضور پررنگی دارد. اما فیلم در نهایت روی روابط انسانی و مسیر دوستی دو شخصیت اصلی بنا شده است. شما چطور تعادل بین این دو بستر و هسته احساسی قصه را حفظ کردید تا مخاطب عام هم بتواند با فیلم ارتباط بگیرد؟

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
- **سر‌دبیر:** هادی خسروشاهین

- **مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**
- **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- **مدیرعامل:** علی متقیان
- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **پیامک:** ۳۰۰۰۵۱۲۳ • **روابط عمومی:** صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌چم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **بذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳



کانسپت فیلم «صنعت» نیست؛ کانسپت، رقافت است. صنعت فقط یک لایه از صنعت است. نه هسته آن. مثل خیلی از فیلم‌ها که از دل یک موضوع اجتماعی یا اقتصادی شروع می‌شوند و در نهایت به مسأله‌های انسانی‌تری مثل مهاجرت، هویت یا رابطه می‌رسند. در فیلم ما هم محور اصلی، رقافت است. این دو نفر و مسیری است که با هم طی می‌کنند. این مسیر به‌طور طبیعی وارد فضای صنعت می‌شود و آنجا با فرازوفرد، شکست، دعوا، موفقیت و

واقعیت این است که کانسپت فیلم «صنعت» نیست؛ کانسپت، رقافت است. صنعت فقط یک لایه از قصه است، نه هسته آن. مثل خیلی از فیلم‌ها که از دل یک موضوع اجتماعی یا اقتصادی شروع می‌شوند و در نهایت به مسأله‌های انسانی‌تری مثل مهاجرت، هویت یا رابطه می‌رسند. در فیلم ما هم محور اصلی، رقافت است. این دو نفر و مسیری است که با هم طی می‌کنند. این مسیر به‌طور طبیعی وارد فضای صنعت می‌شود و آنجا با فرازوفرد، شکست، دعوا، موفقیت و

در ترکیب بازیگران «جهان مبهم هاتف» حضور جوان‌ترها در کنار رضا کیانیان،



توجه خیلی‌ها را جلب کرده؛ به‌ویژه اینکه بازی‌ایشان در نمایش‌های جشنواره هم با بازخورد مثبت مواجه شده است. انتخاب ایشان و چیشش این ترکیب چطور شکل گرفت؟

رضا کیانیان معمولاً به‌سختی کار قبول می‌کند، بخصوص وقتی مقابل‌شان کارگردان جوان باشد. اما از همان ابتدا گفتند دوست دارند شخصاً با من دیدار کنند و درباره پروژه صحبت کنیم. معمولاً برای ایشان مهم این است که بدانند

کارگردان اولی، تهیه‌کننده اولی و نویسندگان تازه‌کار از نظر فرم و تکنیک چقدر تسلط و درک دارند. خوشبختانه با هم که صحبت کردیم، نگاهشان نسبت به پروژه مثبت شد و همان روز قرارداد بستیم. کنار ایشان خانم لیلیا زارعی را داریم که خیلی با‌اخلاق و حرفه‌ای هستند و نقش اصلی جوان بود؛ آرمین رحیمیان و کیوان ساکت‌اف. هر دو بازیگرهای جوان و شناخته شده‌ای هستند که به‌نظم ترکیبشان هم سخت بود، هم درست. برای نقش‌های دیگر هم واقعاً جست‌وجوی زیادی انجام دادیم. حدود بیست سی‌تاتر دیدیم تا بازیگرهایی را پیدا کنیم که به جنس نقش‌ها نزدیک باشند. حدود چهارصد نفر برای تست آمدند، اتود زدیم و از بین آنها به گروه نهایی رسیدیم. بازیگرهایی مثل آزاده سیفی و چند نفر دیگر از همین مسیر انتخاب شدند.

اگر بخواهید «جهان مبهم هاتف» را نه به عنوان یک داستان فردی، بلکه به‌مثابه یک تجربه مشترک برای نسل جوان امروز تعریف کنید، این فیلم دقیقاً درباره چه ایستادگی و چه انتخابی با مخاطبش حرف می‌زند؟

«جهان مبهم هاتف» فیلمی است که مستقیماً با جوان‌های امروز صحبت می‌کند؛ نه از موضع نصیحت، بلکه از دل یک تجربه واقعی. فیلم می‌گوید زندگی ساده نیست؛ اما نکته اصلی فیلم این است که اگر در همین جغرافیا بمانی، تلاش کنی و روی توانایی‌های خودت تمرکز داشته باشی، امکان عبور از این موانع وجود دارد. داستان هاتف و جهان نشان می‌دهد می‌شود از پایین‌ترین نقطه شروع کرد، زمین خورد، دوباره از صفر بلند شد و مسیر را ادامه داد. این فیلم درباره معجزه یا موفقیت یک‌شبه نیست؛ درباره ادامه دادن است. «جهان مبهم هاتف» قصه ناامید نشدن و باور داشتن است؛ باور به خودت و باور به نسل جوانی که اگر به آنها زمان و اعتماد داده شود، می‌توانند هر کاری را که واقعاً بخواهند، به سرانجام برسانند.

«دختر پری خانم»؛ صفر و صدی



واضح به زبان بیاورد. فیلم پراز لایه‌های پیچیده نمادگرایی است که نتیجه آن سردرگمی در روایت و داستان است. این اثر هم قصه دارد و هم ندارد؛ از همین رو برای برخی کسلسل‌کننده است و برای برخی دیگر جذاب. داستان فیلم در مورد مردی ۴۰ ساله است که علیرضا معتمدی نقش او را ایفا می‌کند؛ مردی خانه‌نشین و تقریباً بی‌کار که عاشق «دختر پری خانم» است. پیش از هر چیز، تم فیلم بر انتخاب بین آرزوها و واقعیت‌ها متمرکز است و یکی از مشکلات عمده فیلم ریتم آن است. فیلم از منظر ریتم دچار نقصان است و زمانی که داستان رو به پایان می‌رود و فرشته وارد داستان می‌شود، فیلم جان می‌گیرد و کمی منسجم‌تر می‌شود. اگر از ابتدا زمینه‌چینی برای ورود فرشته انجام می‌شد، ممکن بود مخاطب از همان ابتدا مشتاق به تماشای ادامه فیلم باشد. اما وقتی فرشته وارد داستان می‌شود، بیننده قبلاً دلسرده و ناامید از تماشای فیلم شده است. از منظر شخصیت‌پردازی، معتمدی بازی کرخت و یکنواختی از خود ارائه

می‌دهد. او همان نقشی را بازی می‌کند که در آثار گذشته‌اش ایفا کرده بود؛ یک شخصیت بی‌تحرك و بدون عمق. اما سها نیاستی در این فیلم بسیار قدرتمند ظاهر شده است. بازی او در نقش یک زن اغواگر، جذاب و عاشق‌پیشه بسیار به اندازه است، اما شبمی بین معتمدی و نیاستی به‌درستی شکل نمی‌گیرد. از نظر فیزیک و ظاهری این دو هیچ تطابق با هم ندارند و این نکته در جذابیت رابطه‌شان تأثیرگذار است. داستان «دختر پری خانم» بیشتر شبیه یک نمایش رادیویی است تا یک فیلم سینمایی. سؤالات بی‌شماری در فیلم بی‌پاسخ مانده است. یکی از نکات جالب توجه در بازیگران فرعی است که به‌طور غیرمنتظره‌ای در پایان اثر آورده می‌شود. در مجموع، «دختر پری خانم» فیلمی است که نه تنها از لحاظ فنی و ساختاری با چالش‌هایی مواجه است، بلکه در بیان مفاهیم و انتقال پیام نیز در برخی موارد ناکام مانده است.

«آرامبخش»؛ در جست‌وجوی استقلال



فیلم «آرامبخش» اولین تجربه بلند سینمایی سعید زمانیان، با دغدغه‌ای اجتماعی وارد عرصه سینما شده، اما نتوانسته به درستی این دغدغه‌ها را از طریق زبان سینما روایت کند. داستان فیلم درباره زنی به نام آرام است که در سن ۴۰ سالگی با بحران‌های عمیق روانی دست و پنجه نرم می‌کند و در تلاش است تا بدون حضور پدر، برای یک کودک خانواده‌ای جدید بسازد. فیلم از همان ابتدا با ضعف‌های فیلمنامه‌ای روبه‌رو است. داستان پرآکنده و غیرمنسجم است و مخاطب با سلسله‌ای از اتفاقات مواجه می‌شود که پاسخ‌های آنها برایش مبهم باقی می‌ماند. به عنوان مثال، چندین بار آرام (با بازی الناز شاکردوست) به این موضوع اشاره می‌کند که از شوهرش طلاق گرفته، اما دلیل و زمان این طلاق برای تماشاگر مشخص نمی‌شود یا اینکه دلیل سردی او با امین (با بازی صابر ابر) مبهم است و... فیلم به مسائلی مهم و اجتماعی، مانند تصمیم‌گیری یک زن در آستانه چهل سالگی برای داشتن استقلال و فرزندآوری از بهزیستی اشاره دارد. اما در بیان این مسائل، زبان فیلم الکن و ناقص می‌شود. به‌رغم ایده جسورانه‌ای که دارد، پرداخت آن بسیار ضعیف است. ریتم فیلم به‌طور نسبی با درام همخوانی دارد، اما ضعف فیلمنامه باعث می‌شود که فیلم نتواند به‌خوبی به موضوعات کلیدی مانند فرزندآوری مادران مجرد و مشکلات آنها بپردازد. شخصیت‌ها نیز از نقش اصلی خود فاصله دارند. الناز شاکردوست در این فیلم با بازی اغراق‌آمیز و سطحی‌اش، نتوانسته به‌خوبی شخصیت آرام را به تصویر بکشد. بازی صابر ابر نیز از طور که انتظار می‌رود تأثیرگذار نیست و نمی‌تواند احساسات و پیچیدگی‌های شخصیتش را به درستی منتقل کند. تنها حسن پورشیرازی در این میان بازی قابل قبول و یکدستی ارائه داده است.

از «بازمانده» تا «سرزمین فرشته‌ها»

فواخرچی در گفت‌وگویی درباره آشنایی‌اش با سینمای ایران یادآوری کرد که با «بازمانده» سیف‌الله داد وارد این جهان شده است؛ فیلمی که آن را «یکی از مهم‌ترین آثار دربار فلسطین» دانست و حتی گفت «بازمانده مهم‌ترین فیلم تولیدشده در این حوزه به شمار می‌آید». او تأکید کرد پرداخت یک فیلمساز ایرانی به فلسطین کاملاً طبیعی است، چون «در هنر، ملیت مانع پرداختن به مسائل انسانی و جهانی نمی‌شود» و یکی از ویژگی‌های شناخته‌شده سینمای ایران را توجه ویژه به مسائل انسانی خواند.

او درباره نقش خودش هم گفت «سرزمین فرشته‌ها» روایتگر زنی است که با عشق توانسته معجزه‌ای رقم بزند و هدف گروه را حقوق کودکان غزه و روابط انسانی معرفی کرد.

از «اسم کوچک» تا «مثل پدر کنار ما»

منوچهر شاهسوری دبیر جشنواره فیلم فجر با خوشامدگویی به سلاف، گفت: «وقتی کسی را با اسم کوچک صدا می‌زنیم یعنی او را جزئی از خانواده خود می‌دانیم و با قلبمان شما را بر پرده سرزمین فرشته‌ها دیدیم.» او با اشاره به آسیب دیدن زنان و



را سرزمین شعر و هنر خواند. فواخرچی در ادامه از محمدی تشکر کرد و گفت او در طول فیلم مانند پدر کنار ما بود و این فیلم نتیجه ایمان همه عوامل است.

کودکان در جنگ، از «میم مثل مادر» به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی یاد کرد. منوچهر محمدی هم به عربی به فواخرچی و همسرش خوشامد گفت و ایران

مراسم تجلیل از بازیگر سوری در جشنواره فیلم فجر

با دل کردم تا شرمنده کودکان غزه نباشم

فجرنامه

چیزی برای بچه‌های مظلوم غزه داشته باشیم».

پس از اکران، مراسم خیرمقدم و تجلیل از این بازیگر سوری ظهر دوشنبه ۲۰ بهمن در سالن ۹ پردیس ملت برگزار شد؛ مراسمی با حضور رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی، منوچهر شاهسوری دبیر جشنواره ملی فیلم فجر، علیرضا زاگانی شهردار تهران، مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران، محمد مهدی دادمان مدیر حوزه هنری، حمیدرضا جعفریان رئیس سازمان سینمایی سوره، مریم پیرکاری مدیرعامل مؤسسه تصویر شهر و اجرای سونیا پورایمین.

«می‌ترسیدم فیلم را ببینم... هم ترس داشتم هم شوق؛ اما خوشحالم نتیجه زحمات را روی پرده دیدم.» سلاف فواخرچی با همین جمله، بعد از اولین تماشای «سرزمین فرشته‌ها» در پردیس ملت، حال و هوای اکران را از یک نمایش جشنواره‌ای به یک تجربه شخصی و احساسی تبدیل کرد؛ تجربه‌ای که به گفته خودش از روز اول با «دل» جلورفته تا «روز قیامت

می‌ترسیدم فیلم را ببینم... هم ترس داشتم هم شوق؛ اما خوشحالم نتیجه زحمات را روی پرده دیدم.» سلاف فواخرچی با همین جمله، بعد از اولین تماشای «سرزمین فرشته‌ها» در پردیس ملت، حال و هوای اکران را از یک نمایش جشنواره‌ای به یک تجربه شخصی و احساسی تبدیل کرد؛ تجربه‌ای که به گفته خودش از روز اول با «دل» جلورفته تا «روز قیامت